

## بچه‌های مخلص کوهستان



ما به‌توان تیپ پیاده کوهستان پذیرش شدیم. در اثنای آموزش بودیم که شهیدبروجردی به پادگان امام حسین(ع) آمد و شراط را برایمان تشریح کرد. حدود ۲هزار نفر در پادگان بودیم که بعد از سخنرانی ایشان، عده‌ای از پادگان رفتند؛ چون متوجه سختی کار شده بودند. ۸۰۰ یا ۹۰۰نفر ماندیم و با پایان دوره آموزشی تیپ پیاده کوهستان، گردان شهدا تشکیل شد.

گردان شهدا که هسته اولیه تیپ را تشکیل داد، از نقاط مختلف مثل همدان، تهران، گیلان و مازندران، سنندج، ایلام و کرمانشاه نیرو داشت.

ما که بعدها به آن‌ها پیوستیم، از خراسان و کرمانشاه و همدان بودیم. بعد از مراحل اول عملیات پاک‌سازی پانه-سردشت، بسیاری از بچه‌های گردان شهدا از گردان رفتند. بعد ما به آن ملحق شدیم و چون تعهدمان یک‌ساله بود، بعد از یک سال،



حمیدرضا مشعینی رزمنده تیپ ویژه شهدا

خیلی از نیروها به واحدهای خود برگشتند. من و جمعی از بچه‌های همدانی هم به لشکر انصارالحسین رفتیم. حدود ۸۰۰نفر از بچه‌های مشهد در تیپ ماندند و با حضور شهیدکاوه از استان خراسان، رفته رفته کادر و عمده نیروهای این لشکر از خراسان تأمین شد. به جرئت می‌توانم بگویم همه‌چیز این لشکر مثل نامش ویژه است. از نظر شجاعت رزمندگان، درایت فرماندهان، سخت‌کوشی نیروها، اخلاص بچه‌ها

و... همگی نمونه و ویژه است. جنگ در محیط سخت کوهستان مثل کوره، ناخالصی‌ها را از بین می‌برد و بچه‌هایی که در غرب و شمال غرب می‌جنگیدند، با درک همه سختی‌ها به‌دلیل اخلاصشان در میدان می‌ماندند و تلاش می‌کردند. به نظر من، جمع بچه‌های لشکر و ویژه شهدا دست‌نیافتنی است. خیلی از این بچه‌ها در عملیات پاک‌سازی جاده پیرانشهر- سردشت ۴ یا ۵ماه به مرخصی نرفتند.

این فیلم اجبارا فیلم‌سازی را ترک و خانه‌نشینی را انتخاب کرده بود. حتی چند سالی در مغازه پدرش مشغول به کار شد و هم‌زمان بااین برهیز موقتی از سینمانگارش فیلم‌نامه «آژانس شیشه‌ای» را هم آغاز کرد.

حرف‌های او در این فیلم چون از دل برآمده بود بر دل هم نشست. حرف‌های «حاج کاظم» در فیلم به گونه‌ای حدیث نفس خود کار گردان هم بود. حاج کاظم می‌گفت: «من خیبری ام... اهل نی و هور و آب ...خیبری ساکنه... دود نداره...سوز داره.» این دیالوگ حرف دل کارگردانی ساکت بود که سوز داشت و دود نداشت. حاج کاظم از رزمندگانی سخت می‌گفت که «دست و پنجه نرم کردن با غول زلاشون کرده بود» و حاتمی‌کیای آن زمان مصداق همان آدم‌های زلال بود. حاتمی‌کیای امروز تفاوت‌های زیادی با حاتمی‌کیای دیروز دارد. سابقا او وارد ماجراهای سیاسی نمی‌شد. فیلم «آژانس شیشه‌ای» را سیاسی‌ترین فیلم بعد از انقلاب نامیده‌اند. درست در زمانه‌ای که صحبت از جامعه مدنی بود او یک سؤال مهم را مطرح کرد و از چالش «قانون» و «اخلاق» در برابر هم سخن گفت. پس از ساخت این فیلم حاتمی‌کیا برای مدتی سکوت کرد و حاضر به شرکت در هیچ مصاحبه‌ای نشد. اما در چند سال اخیر این کارگردان بیش از آنکه بافیلم‌هایش مطرح شود با موضع‌گیری‌هایش خبرساز شده است. گاه اصغر فرهادی را زیر تیغ نقد برده؛ گاه از موفقیت فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌ها انتقاد کرده و گاه‌روى سن‌آنتونیم‌به نشست‌های خبری جشنواره فیلم فجر داوران را متهم به بی‌عدالتی کرده‌است.

کارنامه «حاتمی‌کیا» نشان می‌دهد که او همیشه زمان‌شناس خوبی بوده و آثاری ساخته که همگام با نیازهای روز جامعه حرکت کرده‌اند. مضامینی چون رنج جانبازان شیمیایی (از کرخه تاراین)، بازگشت آزادگان به وطن (بوی پیراهن یوسف)، اختلاف سلیقه آدم‌های جنگ و نسل سوم (موج مرده و به نام پدر)، مطالبات فراموش شده جانبازان («آژانس شیشه‌ای»، جنایات داعش (به‌وقت شام) در فیلم‌های حاتمی‌کیا بازتاب یافته‌اند. موضوعاتی که در زمانه خودشان جزو مهم‌ترین دغدغه‌های روز بوده‌اند. ویژگی بارز فیلم‌های دفاع مقدسی این کارگردان نقش واهمیتی است که او برای زنان فیلم‌نامه‌اش قائل است. در غالب فیلم‌های این ژانر زنان غایب یا اضافی هستند، اما زنان آثار حاتمی‌کیا شخصیت‌های ملموسی دارند و غالیا پیش‌پیرنده درام هم هستند. در فیلم «فصل خوان» شخصیت «مریم» حرف اول و آخر را می‌زند و تصمیم می‌گیرد مراسم عروسی زیر تهدید بمباران برگزار شود. در فیلم «برج مینو» شخصیت «مینو» همسرش را راهی جزیره مینو می‌کند و گره داستان را شکل می‌دهد. در فیلم «از کرخه تاراین» رنج‌های جسمی و روحی یک جانباز از منظر خواهر شخصیت اصلی (لیلا با بازی هما روستا) روایت می‌شود. در دیگر فیلم‌های این کارگردان نیز رد پای پررنگ زنان در مقام خواهر، دختری یا همسر رزمندگان دیده می‌شود.

این روزها بوجدن دلمان برای فیلم‌های قدیمی «حاتمی‌کیا» تنگ شده است. فیلم‌هایی که بدون جنجال و حاشیه جایگاه متعالی‌شان را پیدای می‌کردند. منتظر می‌مانیم تا این کارگردان دوباره به سیر تکاملی قدیمی‌اش برگردد و مسیر قبلی‌اش را ادامه دهد.



نمایشی از «کرخه تاراین»



نمایشی از «بوی پیراهن یوسف»



پشت صحنه «ج»



پشت صحنه «یادیکارد»

## شاعر شاهد

**درباره شهید شاعر مشهدی، سید محمود سیدعلوی**

**رضازوزنی**

سال ۱۳۳۷ بود، پدر نگران و امیدوار چشم به گنبد طلایی‌تامن‌الامنه (ع) دوخت، زیر لب خدا را صداد و سید محمود در میان نجوهای غریبانه پدر با پروردگار متولد شد. مشهد اولین قدمگاه او در دنیا بود. او در جوار حرم مطهر علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) پرورش یافت و توانست دوران دبیرستان را تمام کند. سیدعلوی بعد از اتمام دبیرستان تحصیلاتش را در رشته تکنولوژی آموزشی (علوم تربیتی) ادامه داد و در سال ۱۳۵۵ برای ادامه تحصیل به ایالت اوکلاهامای آمریکا رفت. او با آغاز جنگ تحمیلی به شوق حفاظت از مرزهای ایران اسلامی قدم بر خاک جبهه نهاد. سید محمود سرانجام اهواز را معیادگاه دیدار با حق تعالی یافت و در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶ در سن بیست‌ودو سالگی به خیل شهدا پیوست. از او که به ادبیات و شعر علاقه داشته قطعه‌ای منظوم به نام «خورشید ولایت» به یادگار مانده است.

نمونه‌اش در

فیلم‌های دفاع مقدسی کمیاب است. تماشای چندین‌باره انتظار دایی غفور (علی نصیریان) و شیرین (تیکلی کریمی) و دل‌نگرانی آن‌ها برای اسرایشان هنوز هم دل را می‌لرزاندو چشم‌ها را خیس می‌کند. در ادامه مرور این سکانس‌ها باید یادی کنیم از لحنهای که حاج کاظم میان زمین و آسمان دستش را بر روی گلولی خونین «عباس» می‌گذارد و نبودنش را برای اولین بار لمس می‌کند. فیلم‌های گروه اول از این دست شخصیت‌ها، صحنه‌ها و اتفاقات حسن‌برانگیز هم ندارند. اما در فیلم‌های دسته دوم تکنیک و منطق کالیوودی حرف اول را می‌زند. در فیلم «ج» چمرانی را می‌بینیم که متغفل است و بود و نبودش تأثیر چندانی بر اتفاقات ندارد. در آن فیلم حاتمی‌کیا بیش از آنکه به فکر فضاسازی‌ها و قصه‌پردازی‌های خاصش باشد تکنیک و ابزارش را به رخ می‌کشد. در چهار فیلم آخر بیشتر هوش و حواس کارگردان متوجه جلوه‌های ویژه و پرداخت باشکوه صحنه‌های انفجار، تصادف، هواپیمایابی، تراکتورسواری و ...است. فیلم‌های دسته اول با حداقل هزینه ساخته شده‌اند

اما در فیلم‌های دسته دوم چون کارگردان پشتش به حمایت‌های مالی موسسه «لوج» گرم بوده، دست‌ودلبازانه خرج کرده‌است. حاصلش شده فیلم‌هایی که پر زرق و برق هستند اما همچون آثار قدیمی روح ندارند. حاتمی‌کیا فیلم «آژانس شیشه‌ای» را در محاصره انواع مخالفت‌ها ساخت. آن زمان مسئولان سینمایی وقت با ساخت چنین فیلم‌نامه هر حرف و حدیثی موافق نبودند. او قبل از ساخت

### پیام وزیر ارشاد برای چهلمین سالگرد دفاع مقدس

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، پیامی صادر کرد. در متن پیام سیدعباس صالحی، آمده است: «دوران حماسه‌ساز هشت سال دفاع مقدس ملت قهرمان ایران، با تاسی از حرکت تاریخی سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین(ع)، ثمره‌ای بالنده از فرهنگ گذاشته و این فرهنگ در تاریخ ایران تبدیل به یک سنت شده است.» همچنین در بخش دیگری از این پیام وزیر ارشاد به بیان صریح و صادقانه دفاع شرافتمندانه ایرانیان در دوران هشت سال دفاع مقدس در قالب خلق آثار ارزشمند حوزه‌های متنوع فرهنگی و هنری اشاره کرده و گفته است: «تردیدی نیست که گنجینه پر گوهر دفاع مقدس هنوز حرف‌های بسیاری برای پدیدآوردندگان آثار، هم‌تراز شاهکارهای بزرگ حماسی جهان دارد و وظیفه همه ماست که از این گنج عظیم بهره‌های بیشتری ببریم. برگزاری رویدادهای فرهنگی هنری در حوزه دفاع مقدس نیز بستر مناسبی برای پردازش عالمانه به حماسه دفاع مقدس و نقش آفرینی بایسته آحاد ملت بزرگ ایران، بازخوانی میراث گران‌قدر معارف و خاطرات رزمندگان آن دوران باشکوه و انتقال تجربیات ارزنده ایشان است تا چراغ راه آیندگان و جوانان ایران اسلامی باشد که با عزم راسخ «گام دوم انقلاب» را محکم و استوار بردارند. گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس با چنین رویکردی می‌تواند فرصتی برای انتقال مفاهیم و معارف دفاع مقدس به نسل امروز باشد تا دستاوردهای دوران دفاع مقدس را که در مفهوم ارزشمند ایثار تعریف می‌شود به نسل جوان منتقل و آنان را به این فرهنگ ناب و درخشان آگاه سازند.»

### تدارک صداوسیماى استان برای هفته دفاع مقدس

صداوسیماى خراسان رضوى به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس تدارک ویژه‌ای برای مخاطبانش در نظر گرفته‌است. برنامه «اسطوره» در ۷ قسمت با محوریت ادبیات دفاع مقدس و زندگی آزادگان هرشب ساعت ۲۰ پخش خواهد شد. همچنین دو مستند «الماس‌ها ماندگارند» و «۱۳۵۹، تله فیلم «آشنوگل» و مجموعه «ترمه گلی» روی آنتن شبکه استانی خواهند رفت. برنامه‌های دیگر این شبکه نظیر «صبح خراسانی» و «شب شرقی» نیز به صورت ویژه به موضوع دفاع مقدس خواهند پرداخت. صاى خراسان رضوى هم برنامه «چهل برگ» را با حضور کارشناسان حوزه دفاع مقدس پخش می‌کند. برنامه «دهکده» نیز در این ایام به موضوع سبک زندگی و نقش خانواده‌های روستایی در دفاع مقدس می‌پردازد. «مردم و مسئولان»، «مسابقه پلاک هشت» و «نفوذ پنهان» از دیگر برنامه‌های صداى خراسان هستند. رادیو زیارت هم برنامه‌های ویژه‌ای برای این ایام تدارک دیده است. برنامه «رسم عاشقان» عنوان ویژه برنامه‌ای است که هر شب ساعت ۱۸:۱۵ از این شبکه پخش می‌شود. «کریلای جبهه‌ها» نیز با شعار «همه رزمنده ایم» و «صحن زندگی» با موضوع بررسی زندگی رزمندگان در ایام دفاع مقدس و نحوه مدیریت خانواده دیگر برنامه‌های رادیو زیارت است.

### رسانه و دفاع مقدس؛ تکلیفی که همچنان باقی است

عباس محمدیان

نسبت رسانه و دفاع مقدس فقط نسبیتی خبری نبود که این نسبت میان رسانه و هر رویداد و حادثه‌ای دیگر هم با توجه به فلسفه وجودی رسانه که بر خبر استوار است، برقرار بوده و هست و خواهد بود. نسبت رسانه و دفاع مقدس را در تگاهی جبهه‌ای باید تعریف کرد که چون لشکری یوتوان، راهکار خویش را انتخاب کرده و مأموریت خویش را به‌انجام می‌رساند. نقشی که با پایان مأموریت دیگر لشکرها نته‌پا نگ‌نر نشد، بلکه رنگی نو گرفت بر اساس طر ی‌حی نو، دفاع مقدس را تا دورترین نقاط جغرافیایی و زوایای مردم هم امتداد بخشید. به‌دیگر عبارت، ما فقط از جبهه، خبر و گزارش نمی‌نوشتیم و عکس نمی‌گرفتیم. این‌ها هم بود، اما در کنارش بفرهنگی می‌پرداختیم که می‌بایست جوان ایرانی را از دورترین نقطه جغرافیایی به جبهه ببرد و هم سبک معرفتی او را از سنگر کمین، ده‌ها متر آن‌سوتر از خط مقدم، به‌دورترین نقطه جغرافیایی وطن برساند. یعنی رسانه به‌کار دادوستد معرفتی بین جبهه و پشت جبهه، توجه ویژه داشت. این هم به‌دلیل شناخت دقیق ما از این مؤلفه قدرت ماندگار جمهوری اسلامی بود که می‌دانستیم اگر مردم به‌معرفت نسبت به جهاد برسند، جدوجهدی خواهند کرد که پشت دشمن را به‌خاک خواهد رساند؛ حتی اگر ۸۳کشور پشت او ایستاده باشند و طرح‌های دفاعی‌اش را شرط‌بندی زنرال‌های شرقی و غربی، تضمین کرده باشد. ما با آن شناخت و دادوستد معرفتی که رسانه‌ها مجرایش بودند، به‌قدرتی تبدیل شدیم که نه‌تنها متجاوزان را از خاک خود تاراندیم، بلکه به‌اقتدار پای بر خاک او کوفتیم برای تنبیه متجاوز و از ۳۷ملیت اسیر گرفتیم تا نشان دهیم جبهه برابر ما تا کجا عمق دارد. باری، رسانه‌ها در کنار این، به‌جنبه حماسی جنگ هم ویژه می‌پر داخندند و در روزگاری که حصر رسانه‌ای ما از محاصره و تحریم نظامی و اقتصادی هم سنگین‌تر بود، توانستیم در عرصه اطلاع‌رسانی و تولید پیام و قهرمان‌پروری بایسته، گاری سزما انجام دهیم. علاوه بر این ۲جنبه، نگاه تمام‌ساحتی به‌جنگ‌از دیگر کارکردهای رسانه بود. فقط خط مقدم را نمی‌دیدیم، بلکه حضور فاخر و همه‌جانبه ایرانیان را تصویر و تبیین می‌کردیم. وقتی رسانه‌ها نوشتند پیرزن روستایی چند عدد تخم‌مرغ را که همه داشته‌اش بود به‌جبهه فرستاد، این معنا را می‌شد از آن فهمید که اگر قرار است سفره ایرانی حتی به‌الحاظ اقتصادی هم رونق بگیرد، باید تکلیف جنگ را جوری روشن کنیم که دشمن تحت هیچ شرایطی نتواند ما را بشکند. وقتی زنان و مادران و خواهران رزمندگان، قدراست می‌کردند تا کار مردان و پسران و برادرانشان بر زمین نماند، می‌شد چنین نتیجه گرفت که نباید گذاشت حتی یک وجب خاک وطن هم حتی در تصرف دشمن باقی بماند. تولید مستقیم و غیرمستقیم پیام‌هایی چنین، تکلیف و کارکرد رسانه بود که در فصل دفاع مقدس به‌خوبی سرانجام یافت و بعداز جنگ هم چراغ راه است برای ملتی که می‌خواهد مستقل و سرفراز زندگی کند. معنای این سخن هم آن است که دفاع مقدس برای رسانه تمام نشده است، حتی اگر از پایان جنگ ۳۲سال گذشته باشد.



روزنامه شهرامید و زنشنگی

**۲۲شنبه**  
۲۳ شهریور ۱۳۹۰  
۲ شهریور ۱۳۸۷  
شماره ۳۷۷

## ۱۵



# جنگ پلاک هشت